



موشکافی تله‌های تستی

بررسی خط به خط کتاب مرجع

نکات مهم

خلاصه

آپدیت مرداد ۱۴۰۵

ویژه شب امتحان

باکسهای دقت کنید

آیین دادرسی مدنی ۱

(ایران‌شاهی)

ناشر: انتشارات دانشگاه پیام نور (علیرضا ایران‌شاهی)

دانشگاه پیام نور – کد درس 1223026

منبع اصلی دانشجویان:



مناسب برای رشته‌های //
حقوق و سایر رشته‌های مرتبط



نویسنده جزوه //
تیم تالیف بژیک



PDF

نوع فایل //



کیفیت //
تضمین ۱۰۰٪ مطالب

۵

ساعت مطالعه

۱۰۰٪

پوشش نکات

۴۵

صفحه مفید

فصل اول: کلیات

- ✓ دادرسی در اصناف مختلف (مدنی، کیفری، اداری و انتظامی)، برای دستیابی به اهداف خود نیازمند قواعد و نظم منطقی است که به آن «آیین دادرسی» می‌گویند.
- ✓ آیین دادرسی مدنی، مجموعه‌ای از قواعد شکلی و تشریفاتی است که همگام با قواعد ماهوی، با هدف تحقق عدالت، فصل خصومت و حفظ نظم عمل می‌کند.
- ✓ قواعد مذکور، اگرچه ماهیت حقوق خصوصی دارند، اما به دلیل پیوند با شئون حاکمیت، در زمره قواعد آمره و لایتخلف قرار گرفته و در مراجع قضایی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا هستند.
- ✓ توجه: این فایل رایگان نیست و منحصراً برای سایت "بژیک" با آدرس اینترنتی www.bzhik.ir تهیه و تنظیم شده است. تمام حقوق مادی و معنوی این محصول، متعلق به سایت "بژیک" می‌باشد؛ هر گونه کپی برداری و انتشار غیر قانونی آن توسط افراد سودجو، بدون اخطار قبلی، پیگرد قانونی در پی خواهد داشت؛ لذا بایستی مستقیماً از این سایت خریداری شود در غیر این صورت مسئولین راضی نمی‌باشند و حرام و حق الناس می‌باشد.

مفهوم آیین دادرسی مدنی

- ✓ حقوق‌دانان اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی را در دو دسته کلی دسته‌بندی می‌کنند:
- ✓ قواعد مرتبط با سازمان و مراجع قضاوت‌کننده، تعیین صلاحیت آن‌ها و روابط این مراجع با یکدیگر.
- ✓ قواعد مرتبط با دادخواهی، شرایط اقامه دعوا، نحوه رسیدگی، ادله اثبات، صدور رأی و روش‌های شکایت از تصمیمات قضایی.

ماده یک قانون آیین دادرسی مدنی: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و قواعدی است که در مقام رسیدگی نسبت به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی، که از امور کیفری و انتظامی و اداری متمایز است، در مراجع قضایی مصرح در قانون، به کار می‌رود.»

- ✓ اصطلاح «اصول» در قوانین، همان قواعد صریح یا ضمنی مندرج در قانون است که مسیر تفسیر و اجرای قواعد موجود را روشن می‌سازند و به عنوان مقررات لازم‌الاجرا شناخته می‌شوند.
- ✓ دادرسی ماهیتاً نیازمند تنازع و اختلاف است و طی دو مرحله اساسی شامل تشخیص حق از باطل و سپس احقاق حق و فصل خصومت انجام می‌گیرد.
- ✓ در مقابل، «امور حسبی» لزوماً نیازمند وقوع اختلاف یا منازعه نیستند و دادگاه‌ها موظفند حتی بدون اختلاف، به آن‌ها رسیدگی کرده و تصمیم‌گیری نمایند.
- ✓ در رسیدگی به امور حسبی، قواعد قانون خاص آن اعمال می‌شود، اما در صورت سکوت قانون، قانون عام و تکمیلی آیین دادرسی مدنی قابلیت اعمال خواهد داشت.

اهداف آیین دادرسی مدنی

تشخیص حق از باطل

- ✓ گام نخست و مقدمه واجب در هر اختلاف، کشف حقیقت و تشخیص پاسخ عقلی و منطقی مسئله است تا دادرس بتواند قاعده‌ی حقوقی مناسب را اعمال کند.
- ✓ هدف اصلی و نهایی نظام دادرسی اجرای «عدالت» است، در حالی که «حفظ نظم» و «فصل خصومت» اهداف واسطه‌ای و مقدماتی برای دستیابی به این عدالت محسوب می‌شوند.
- ✓ دادرس با یاری اصول آیین دادرسی اقدامات تشخیصی را انجام می‌دهد، در حالی که اطلاعات موضوعی دعوا توسط اصحاب دعوا ارائه می‌گردد و دادرس برای کشف حقیقت منفعل نیست.

حق‌گزاری و فصل خصومت

- ✓ آیین دادرسی با دارا بودن ضمانت اجرای عملی و دولتی، در واقع سازوکارها و تضمین‌کننده اجرای قواعد حقوق ماهوی در جامعه است.
- ✓ این قواعد از تفسیرهای خودسرانه افراد جلوگیری کرده، حدود صلاحیت مراجع را مشخص می‌سازند و موجب پیش‌بینی‌پذیری نتیجه دعاوی و ارتقای امنیت حقوقی می‌شوند.
- ✓ حتی اگر رأی صادره توسط قاضی کاملاً منطبق با حقیقت نباشد، حداقل فایده و کاربرد آن، پایان دادن به نزاع و برقراری نظم و فصل خصومت میان طرفین است.

اوصاف آیین دادرسی مدنی

شکلی بودن

- ✓ قواعد آیین دادرسی قواعدی شکلی و تشریفاتی هستند که صرفاً روش و چگونگی جریان دادرسی را تعیین می‌کنند.
- ✓ این قواعد ارزش ذاتی و مستقلی ندارند و برخلاف قواعد ماهوی (که مستقیماً حق و تکلیف ایجاد می‌کنند)، صرفاً ابزاری برای حمایت از قواعد ماهوی و تضمین اجرای آن‌ها هستند.

در زمره «حقوق عمومی» بودن

- ✓ قواعد آیین دادرسی به دلیل ارتباط مستقیم با سازمان قضایی، اعمال حاکمیت و عملکرد دادگاه‌ها، منحصرأ در قلمرو حقوق عمومی قرار می‌گیرند.
- ✓ بنابراین، توافق اشخاص بر خلاف این قواعد کاملاً باطل است، مگر در موارد معدودی که قانون‌گذار جنبه تخییری و تکمیلی به آن‌ها داده باشد.

«آمره» بودن

- ✓ بیشتر قواعد آیین دادرسی آمره و غیرقابل‌تخلف هستند و بر اساس مراتب الزام‌آور بودن، به سه دسته دقیق تقسیم می‌شوند:



✓ الف) قواعد راجع به سازمان قضایی: مانند وحدت یا تعدد قضات در یک مرجع قضایی؛ این قواعد مطلقاً آمره بوده و توافق بر خلاف آنها باطل است.

✓ ب) قواعد راجع به صلاحیت: که خود دارای دو زیرمجموعه اساسی است:

✓ ۱. صلاحیت ذاتی: این قواعد کاملاً آمره‌اند و مراجع قضایی مکلفند در تمامی مراحل رسیدگی رأساً به آن توجه کنند.

✓ ۲. صلاحیت محلی: غالباً مخیره و در جهت حفظ حقوق خوانده وضع شده‌اند و دادگاه رأساً به آن توجه نمی‌کند، بلکه نیازمند ایراد ذی‌نفع است.

✓ ج) قواعد راجع به آیین دادرسی به مفهوم اخص: مانند مهلت شکایت یا تشکیل جلسه رسیدگی، که عمدتاً آمره بوده و طرفین نمی‌توانند برخلاف آن تراضی کنند.



دقت کنید: در مبحث قواعد صلاحیت محلی، قانون‌گذار استثنائاً به طرفین دعوا اجازه داده است تا بتوانند برخلاف آن توافق نمایند؛ زیرا این قواعد عمدتاً برای رعایت حال خوانده وضع شده‌اند.

عطف به ماسبق‌شدن

✓ اصل بر این است که برخلاف قواعد ماهوی، قواعد شکلی و قانون آیین دادرسی دارای اثر فوری بوده و به دعاوی پیشین نیز عطف به ماسبق می‌شوند.



تبصره مهم: تنها در صورتی که اجرای فوری قانون شکلی جدید موجب تضییع «حقوق مکتسبه» اشخاص گردد (مانند قواعد مربوط به صلاحیت محلی یا حقوق مرتبط با مهلت و نوع اعتراض به آراء که پیش‌تر ایجاد شده‌اند)، قانون جدید عطف به ماسبق نخواهد شد.

اصول آیین دادرسی مدنی

✓ اصول آیین دادرسی نسبت به قواعد ماهوی، از ثبات و ماندگاری بسیار بیشتری برخوردار بوده و ستون‌های اصلی نظام دادرسی را تشکیل می‌دهند.

✓ دادرسی در مقام رسیدگی موظف است در موارد سکوت، اجمال، تناقض یا فقدان قانون، با استناد به این اصول تصمیم‌گیری نماید.

✓ رعایت این اصول از چنان اهمیتی برخوردار است که نقض آنها مستقیماً موجب مخدوش‌شدن و بی‌اعتباری رأی صادره می‌گردد.

اصول مربوط به آغاز دادرسی

✓ اصل دادخواهی: حق دادخواهی شهروندان و وظیفه دادرسی حاکمیت، دو روی یک سکه هستند. این حق محدود به مرحله بدوی نیست و شامل تمامی مراحل دادرسی از جمله تجدیدنظرخواهی نیز می‌شود؛ استتکاف قاضی از احقاق حق، تخلف محسوب می‌گردد.

